

اخبار و اسناد
قمرالملوک وزیری

در مطبوعات دوران قاجار تا عصر حاضر
و آرشیو اسناد ملی

به کوشش
مهدی نورمحمدی





فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه : نورمحمدی، مهدی، ۱۳۵۱- ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور : اخبار و اسناد قمرالملوک وزیری: در مطبوعات دوران قاجار تا عصر حاضر و
آرشیو اسناد ملی/ به کوشش مهدی نورمحمدی.
مشخصات نشر : تهران: ماهور، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۳۳۶ ص.: مصور.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۸۱-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : قمرالملوک وزیری، ۱۲۸۴-۱۳۳۸.
موضوع : زنان آوازخوان — ایران
موضوع : Women singers -- Iran
موضوع : کنسرت‌ها — ایران — تاریخ — پوشش مطبوعاتی
موضوع : Concerts -- Iran -- History -- Press Coverage
موضوع : ایران — تاریخ — پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ — مطبوعات
موضوع : Iran -- History -- pahlavi, 1925-1978 -- press
رده‌بندی کنگره : ML ۴۲۰
رده‌بندی دیویی : ۷۸۲/۴۲۱۶۴۹۰۹۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی : ۵۹۱۷۹۱۵
-

اخبار و اسناد
قمرالملوک وزیری

در مطبوعات دوران قاجار تا عصر حاضر
و آرشیو اسناد ملی

به کوشش
مهدی نورمحمدی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری مآه‌ور
تهران ۱۳۹۹



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳

www.mahoor.com info@mahoor.com

اخبار و اسناد

قمرالملوک وزیری

در مطبوعات دوران قاجار تا عصر حاضر

و آرشیو اسناد ملی

به کوشش

مهدی نورمحمدی

تصویرسازی جلد: ملیحه محسنی

صفحه‌آرایی: پویا دارابی

چاپ اول: ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی: باران

چاپ و صحافی: یزمان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۸۱-۴ ISBN: 978-964-8772-81-4

فهرست

مقدمه	۱۱
اخبار	۲۱
۱. مقاله‌ای از قمر در روزنامه شفق سرخ	۲۳
۲. پاسخ قمر به انتقادی که از او در یکی از روزنامه‌ها به چاپ رسیده بود	۲۵
۳. آگهی فروش صفحات قمر و ملوک ضرابی در مغازه پولیفون	۲۶
۴. خبر کنسرت موسی معروفی و قمر در گراند هتل در روزنامه ناهید	۲۷
۵. خبر کنسرت قمر در گراند هتل در روزنامه ایران	۲۷
۶. خبر کنسرت قمر در گراند هتل در روزنامه امید	۲۸
۷. خبر کنسرت قمر در گراند هتل در روزنامه ایران	۲۸
۸. خبر ورود قمر به قزوین و اجرای کنسرت توسط او	۲۸
۹. خبر کنسرت قمر در قزوین در روزنامه بازپرس	۲۹
۱۰. خبر کنسرت قمر در سالن سینما پالاس در روزنامه کوشش	۳۰
۱۱. خبر کنسرت قمر در سالن سینما پالاس در روزنامه کوشش	۳۰
۱۲. خبر کنسرت قمر در باغ بلدیه قزوین به نفع سیل‌زدگان	۳۱
۱۳. خبر کنسرت قمر و برادران نی‌داود در روزنامه کوشش	۳۱
۱۴. خبر کنسرت قمر و برادران نی‌داود در روزنامه کوشش	۳۲
۱۵. خبر کنسرت قمر و برادران نی‌داود در روزنامه ایران	۳۲
۱۶. خبر کنسرت قمر با صبا و کاموسی در روزنامه اطلاعات	۳۲
۱۷. خبر کنسرت قمر و اسماعیل کمالی در کافه‌رستوران نادر	۳۳

۱۸. خبر کنسرت قمر با طاطایی و کمالی در کافه‌رستوران شمشاد ۳۳
۱۹. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۲۰ ۳۳
۲۰. برنامه قمر در موسیقی رادیو - چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۰ ۳۴
۲۱. خبر کنسرت قمر در مجله اطلاعات هفتگی ۳۴
۲۲. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۲۰ ۳۵
۲۳. برنامه قمر در موسیقی رادیو - جمعه ۲۴ بهمن ۱۳۲۰ ۳۵
۲۴. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۲۰ ۳۶
۲۵. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۲۰ ۳۶
۲۶. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ ۳۷
۲۷. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۲۰ ۳۷
۲۸. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۲۱ ۳۸
۲۹. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۲۱ ۳۸
۳۰. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۲۱ ۳۸
۳۱. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۱ ۳۹
۳۲. برنامه قمر در موسیقی رادیو - جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۱ ۳۹
۳۳. برنامه قمر در موسیقی رادیو - چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۱ ۴۰
۳۴. برنامه قمر در موسیقی رادیو - دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۱ ۴۰
۳۵. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامه آسیای جوان - ۱ ۴۱
۳۶. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامه آسیای جوان - ۲ ۴۴
۳۷. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامه آسیای جوان - ۳ ۴۹
۳۸. خاطرات قمرالملوک وزیری در روزنامه آسیای جوان - ۴ ۵۳
۳۹. گزارشی درباره قمر با امضای مستعار سین در مجله روشنفکر ۵۶
۴۰. گزارشی درباره قمر در مجله خواندنی‌ها ۶۲
۴۱. گزارشی درباره قمر در مجله امید ایران ۶۴
۴۲. گزارشی از جلال میزبان درباره قمر در مجله روشنفکر ۶۶
۴۳. گزارشی درباره قمر در مجله تهران مصور ۶۸
۴۴. گزارشی از جلال میزبان درباره قمر در مجله فردوسی ۷۰
۴۵. نوشته‌ای درباره قمر در مجله خواندنی‌ها ۷۲
۴۶. نوشته‌ای درباره قمر در مجله رادیو تهران ۷۴
۴۷. نوشته‌ای درباره قمر در مجله خواندنی‌ها ۷۸

۴۸. مخالفت مجلس سنا با کمک مالی به قمر و روح‌انگیز ۸۰
۴۹. عذرخواهی قمر از شرکت در فیلم سینمایی ۸۲
۵۰. گزارشی دربارهٔ بیماری و سکنهٔ قمر ۸۳
۵۱. خبری دربارهٔ سه بار سکنهٔ قمر در مجلهٔ تهران مصور ۸۶
۵۲. گزارشی دربارهٔ دیدار بانوان هنرمند با قمر ۸۶
۵۳. برآورده شدن آرزوی قمر دربارهٔ ازدواج پسرخوانده‌اش ۸۸
۵۴. گزارشی دربارهٔ حضور قمر در رادیو بعد از بیماری ۸۹
۵۵. خبری دربارهٔ تصمیم هنرمندان مبنی بر جمع‌آوری اعانه برای قمر ۹۲
۵۶. خبر حضور قمر در برنامهٔ تلویزیون در مجلهٔ تهران مصور ۹۲
۵۷. گزارشی دربارهٔ فوت قمر به قلم ا. میرسعیدی در اطلاعات جوانان ۹۳
۵۸. گزارشی دربارهٔ فوت قمر در کیهان ۱۰۰
۵۹. گزارشی دربارهٔ فوت قمر در اطلاعات ۱۰۳
۶۰. آگهی درگذشت و مجلس ترحیم قمر توسط پسرخواندهٔ او ۱۰۴
۶۱. اظهارنظر هنرمندان و موسیقی‌دانان دربارهٔ قمر ۱۰۵
۶۲. مختصری از زندگی قمر در روزنامهٔ کیهان ۱۰۸
۶۳. مقالهٔ عبدالرحمن فرامرزی دربارهٔ مرگ قمر ۱۱۱
۶۴. گزارشی دربارهٔ مرگ قمر در مجلهٔ خواندنی‌ها ۱۱۳
۶۵. شعری در رثای قمر، سرودهٔ محمد کلانتری ۱۱۷
۶۶. آگهی مراسم شب هفت قمر در مقبرهٔ ظهیرالدوله در کیهان ۱۱۸
۶۷. مقاله‌ای دربارهٔ درگذشت قمر در آسیای جوان ۱۱۹
۶۸. نامهٔ قمر به هنرمندان ۱۲۱
۶۹. مقاله‌ای دربارهٔ قمر در مجلهٔ سپید و سیاه ۱۲۴
۷۰. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم: هاشم در اطلاعات هفتگی ۱۲۷
۷۱. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم: عبدالله الفت در مجلهٔ ترقی ۱۲۹
۷۲. مقاله‌ای دربارهٔ قمر به قلم: ع. پ در مجلهٔ خواندنی‌ها ۱۳۳
۷۳. شعری در رثای قمر، سرودهٔ حسن جداری در مجلهٔ خواندنی‌ها ۱۳۴
۷۴. تشکر پسرخواندهٔ قمر از عموم بابت شرکت در مراسم شب هفت قمر ۱۳۵
۷۵. مقاله‌ای دربارهٔ قمر و درگذشت او در مجلهٔ تهران مصور ۱۳۶
۷۶. پیشنهاد ساخت بنای یادبود آرامگاه قمر ۱۴۰
۷۷. نوازندگی علی‌اکبر شهنازی به یاد قمر ۱۴۰

۷۸. نبود سالن مناسب برای برگزاری بزرگداشت قمر ۱۴۱
۷۹. پیشنهاد اختصاص زمین برای ایجاد گورستان هنرمندان پس از مرگ قمر ۱۴۱
۸۰. مقاله‌ای در یادبود قمر در مجله رادیو ایران ۱۴۲
۸۱. گزارشی از برگزاری مجلس یادبود قمر در اطلاعات ۱۴۵
۸۲. گزارشی از برگزاری مجلس یادبود قمر در مجله ترقی ۱۴۹
۸۳. مقاله‌ای به یاد قمر، به قلم: تقی بینش در روزنامه هیرمند ۱۵۰
۸۴. مقاله‌ای درباره قمر در مجله موسیقی رادیو ایران ۱۵۴
۸۵. مقاله‌ای درباره قمر در مجله موزیک ایران ۱۵۵
۸۶. گفتگوی دکتر ساسان سپنتا با قمر در مجله موزیک ایران ۱۶۱
۸۷. مقاله‌ای درباره قمر، به قلم پرویز نقیبی در مجله روشنفکر- ۱ ۱۶۴
۸۸. نکته‌هایی درباره قمر - ۱ ۱۶۷
۸۹. مقاله‌ای درباره قمر، به قلم پرویز نقیبی در مجله روشنفکر- ۲ ۱۶۹
۹۰. نکته‌هایی درباره قمر - ۲ ۱۷۰
۹۱. مصاحبه کوتاه یکی از دوستان قمر با او ۱۷۱
۹۲. مقاله‌ای درباره قمر، به قلم پرویز نقیبی در مجله روشنفکر- ۳ ۱۷۲
۹۳. نکته‌هایی درباره قمر - ۳ ۱۷۸
۹۴. مقاله‌ای درباره قمر به قلم حسینعلی ملاح ۱۷۸
۹۵. گزارشی درباره سالروز مرگ قمر در کیهان ۲۰۶
۹۶. گفتگو با محمدعلی امیرجاهد درباره قمر ۲۱۱
۹۷. گزارشی درباره قمر در مجله تماشا ۲۱۲
۹۸. ویژه‌نامه قمر در روزنامه اطلاعات ۲۲۶
۹۹. گفتگو با مرتضی نی‌داود درباره قمر ۲۳۲
۱۰۰. گفتگو با ملوک ضرابی درباره قمر ۲۳۵
۱۰۱. گفتگو با علی‌اکبر شهنازی درباره قمر ۲۳۶
۱۰۲. خاطره‌ای از سال‌های آخر عمر قمر ۲۳۷
۱۰۳. خاطره‌ای از سال‌های آخر عمر قمر به روایت معینی کرمانشاهی ۲۳۸
۱۰۴. ویژه‌نامه هفدهمین سالگرد درگذشت قمر در روزنامه کیهان ۲۴۰
۱۰۵. نوشته و خاطراتی درباره قمر به قلم ثمین باغچه‌بان ۲۴۲
۱۰۶. نوشته‌ای درباره قمر به قلم افشین بزرگان ۲۵۱
۱۰۷. خاطرات بیژن ترقی از قمر ۲۵۶

اسناد	۲۶۱
۱. شکایت حبیب سلمانی از قمر به دادستان	۲۶۳
۲. شکایت حبیب سلمانی از قمر به ریاست دادگاه بدوی	۲۶۳
۳. نامه ریاست دادگاه بدوی به کلانتری درباره تحقیق از موضوع شکایت	۲۶۴
۴. پاسخ کلانتری به ریاست دادگاه بدوی	۲۶۵
۵. نامه رئیس دادگاه بدوی به نماینده دفتر اسناد رسمی ۵۵	۲۶۶
۶. ارسال رونوشت قرارداد بین قمر و حبیب سلمانی توسط دفتر اسناد رسمی ۵۵	۲۶۷
۷. نامه بازپرس به رئیس دادگاه بدوی مبنی بر قرار منع تعقیب جزایی قمر	۲۶۸
۸. نامه رئیس دادگاه بدوی به بازپرس و رد نظر وی	۲۶۸
۹. نامه رئیس دادگاه بدوی به دادگاه تجدیدنظر برای رفع اختلاف	۲۷۰
۱۰. نامه کفیل دادگاه تجدیدنظر به رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر	۲۷۰
۱۱. رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر فسخ نظر بازپرس و صدور قرار اناطه	۲۷۱
۱۲. نامه کفیل دادگاه تجدیدنظر به ریاست دادگاه بدوی	۲۷۲
۱۳. رونوشت رأی شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر	۲۷۲
۱۴. نامه وکیل افتخاری حبیب سلمانی به قاضی تحقیق شعبه ۳	۲۷۴
۱۵. نامه قمر به پهلبد و تشکر بابت حمایت از هنرمندان	۲۷۵
منتخب تصاویری از اخبار	۲۷۷
تصاویر اسناد	۲۸۹
تصاویر قمرالملوک وزیری در مطبوعات	۳۰۷
نمایه	۳۲۷

مقدمه

در میان چهره‌های مشهور موسیقی اصیل ایرانی، اگر بخواهیم از کسانی که موسیقی و هنر خود را با نیکوکاری، کمک به مستمندان و دستگیری از بینوایان درآمیخته‌اند نام ببریم، بدون شک نام قمرالملوک وزیری در صدر آنان خواهد بود.

قمر سراسر عمر خود را در کمک به طبقات محروم و فرودست گذراند و آنچه از اجرای برنامه‌های موسیقی اعم از کنسرت، ضبط صفحات گرامافون و اجرا در محافل خصوصی به دست آورد، در طبق اخلاص گذارد.

قمر زنی سخاوتمند و بخشنده بود که از بخشیدن لذت می‌برد و آرامش می‌یافت. چه بسیار دخترانی که با کمک او به خانه‌ی بخت رفتند، پسرانی که با سرمایه‌ی او موفق به ازدواج و تشکیل خانواده شدند، یتیمانی که دستان نوازشگر و مهربان قمر جای خالی مهر پدر و مادر را برای آنان پر کرد و نیازمندانی که قمر کریمانه مدد رسان معاش آنان بود.

به گواهی خاطرات مکتوب و شفاهی به جا مانده، قمر نه تنها به محرومین و بیچارگان یاری می‌رساند بلکه غمخوار و دلسوز حیوانات نیز بود. برای حیوانات آسیب‌دیده غذا می‌برد و آنان را تیمار می‌کرد.

وی این خصلت‌های نیک را حتی تا پایان عمر و در روزهای بیماری و نداری نیز حفظ کرد. از این نظر، قمر نه تنها در میان موسیقی‌دانان بلکه افراد مشهور جامعه‌ی هنری ایران نیز یکتا و بی‌همتا است.

به جز صفات والای انسانی و اخلاقی، یکی دیگر از ویژگی‌های ارزنده‌ی قمر، حفظ اصالت و شأن هنری است. بدین معنی که در طول سال‌ها فعالیت در عرصه‌ی هنر، هرگز از موازین موسیقی فاخر و چهارچوب موسیقی دستگاهی ایران خارج نشد و هیچ‌گاه به ورطه‌ی ابتذال و موسیقی مطربی درنغلطید.

در میان صفحات باقی مانده از قمر، حتی یک نمونه نیز نمی توان یافت که آثار نازل، بی کیفیت و مبتذل اجرا کرده و یا از اشعار ضعیف و سست سود جسته باشد. قمر به خاطر این ویژگی، مورد ستایش شعرای گوناگون قرار گرفته که در این میان، به تنهایی این شعر استاد جلال الدین همایی:

ستارگان هنر بس دمیده اند و هنوز شبان تیره عشاق روشن از قمر است

مهر تأییدی بر عیار بالای هنری این بانوی هنرمند محسوب می شود. سومین ویژگی مهم قمر، خدمت به اجتماع از طریق هنر و حضور مؤثر در عرصه های اجتماعی است که برای نمونه می توان به اجرای کنسرت به نفع سیل زدگان، حریق زدگان و زلزله زدگان، کنسرت به نفع ساخت مقبره ی فردوسی و کنسرت به نفع هنرمندان قدیمی همچون شکرالله قهرمانی اشاره کرد.

داشتن صدای خوش در خانواده ی قمرالملوک وزیری موروثی بود. مادر بزرگش خیرالنساء و مادرش طوبی نیز صدایی خوب و دلنشین داشتند. قمر از محافل مذهبی پا به عرصه ی موسیقی گذارد. مادر بزرگش که در محافل زنانه در دربار قاجار روضه و مرثیه می خواند، وی را که از کودکی از داشتن پدر و مادر محروم بود با خود به این مجالس می برد که همین مسئله، زمینه ساز آشنایی او با نغمات و گوشه های موسیقی اصیل ایرانی شد و سرانجام نیز وی را به وادی موسیقی مجلسی رهنمون ساخت.

این زمینه ی مذهبی که از کودکی در ضمیر وی بود، در اواخر عمرش نیز افزایش یافت، به طوری که در مصاحبه ای از آرزوی خود برای رفتن به کربلا سخن به میان آورد. به هیچ وجه نمی توان کتمان کرد که این آرزوی ایام پیری، ریشه در دوران کودکی و حضور در همان محافل مذهبی زنانه دارد.

قمر از واقعیت تلخی که معمولاً در اواخر حیات هنری گریبانگیر افراد مشهور می شود در امان نماند و شهرت و محبوبیت وی به دلیل بالا رفتن سنین عمر، ظهور صداها و چهره های جدید در عرصه ی موسیقی و اقبال مردم به آنان رو به افول گذارد. بدین ترتیب، زنی که روزگاری زینت بخش محافل رجال مقتدری چون داور و تیمورتاش بود و هوادارانش دهان وی را با اشرفی پر می کردند، در انزوا، فراموشی و فقر درگذشت.

قمرالملوک وزیری یکی از سرشناس ترین چهره های موسیقی اصیل ایرانی است که با وجود شهرت و محبوبیت کم نظیر که بیش از دو دهه به طول انجامید، درباره ی بعضی از فرازهای زندگی شخصی و هنری وی اطلاعات و دانسته های روشنی در دست نیست

و منابع گوناگون — حتی در زمان حیات او — در این خصوص یکسان سخن نگفته‌اند. با وجود این که شش دهه از مرگ قمر می‌گذرد، هنوز نکات مبهم و اظهارات متناقضی درباره‌ی او منتشر می‌شود. به عنوان نمونه، به برخی از این ابهامات و تناقضات اشاره می‌کنیم:

- یکی از مهم‌ترین نکات مبهم زندگی قمر، نبود اطلاعات و آگاهی درباره‌ی زادگاه اوست، به طوری که عده‌ای محل تولد او را کاشان^۱، برخی تاجیکستان^۲ قزوین و عده‌ای دیگر تهران می‌دانند.
- دیگر موضوعی که درباره‌ی آن اطلاع دقیقی در دست نیست، تعداد ازدواج‌های اوست. با وجود این که زبیده جهانگیری (۱۳۲۰-۱۳۹۸) دخترخوانده‌ی قمر، در کتاب خود^۳ با قاطعیت تعداد ازدواج‌های او را منحصر به دو مورد دانسته است، برخی از اخبار و مدارک کتاب حاضر با این عقیده همخوانی ندارد.
- اگرچه زبیده جهانگیری، به مرده به دنیا آمدن کودک حاصل از ازدواج قمر با سید علی‌اصغر شیخ‌الاسلامی (۱۲۷۷-۱۳۴۳) معروف به مسیو اصغر اشاره کرده، حسینعلی ملاح در مقاله‌ی خود در مجله‌ی «پیام نوین»، سخن از عقده‌ی بزرگ عقیم بودن قمر به میان آورده که در منابع دیگر به آن اشاره‌ای نشده و از آن جا که این مسئله نقش مهمی در بازشناسی رفتارهای شخصی و اجتماعی وی دارد، باب پژوهش در این خصوص همچنان باز خواهد بود.
- زبیده جهانگیری در کتاب خود، بر این اعتقاد است که مسیو اصغر شوهر قمر، وی را به مرفین مبتلا کرده و همین مسئله باعث سقط جنین قمر شده است، در حالی که روایت دکتر حسام‌الدین خُرمی با این گفته همخوانی ندارد.

۱. زبیده جهانگیری در این خصوص می‌نویسد: پدر و مادر او کاشانی بودند. در همان شهر ازدواج کرده و به توصیه‌ی فامیل و به ویژه مادر بزرگ و به اعتبار این که دختران بزرگ او و فرزندان‌شان ساکن تهران بودند به پایتخت آمدند. «قمری که خورشید شد، ص ۲۹»

۲. تاجیکستان که در ۳۴ کیلومتری جنوب غربی قزوین واقع و اینک تبدیل به شهر شده است، در گذشته مرکز دهستان رامند قزوین بود و در حدود سال ۱۳۳۵ خورشیدی، افزون بر ۸ هزار نفر جمعیت داشت. اهالی این منطقه که به زبان تاتی صحبت می‌کنند و تبار آن‌ها به مادها می‌رسد، از دو طایفه‌ی رحمانی و طاهرخانی تشکیل شده و به هیچ وجه در این دو طایفه سید وجود ندارد. با توجه به سیادت قمر (بر اساس تصویر شناسنامه‌ی او که در کتاب آوای مهربانی تألیف زهره خالقی به چاپ رسیده، نام پدر او سید حسن ذکر شده) و همچنین سید نبودن مردم تاجیکستان، انتساب او به این منطقه نادرست است. چون قمر مدتی در قزوین سکونت داشته و یکی از دوستان و حامیان او به نام بحرینی که از ملاکین تاجیکستان بوده، وی را در جوانی مورد حمایت خود قرار داده، ممکن است این مسئله باعث ابراز چنین نظری شده باشد.

۳. قمری که خورشید شد، زبیده جهانگیری، با مقدمه‌ی اسماعیل جسیم، لوس آنجلس: شرکت کتاب، ۱۳۹۴، ص ۹۶.

- زبیده جهانگیری درباره‌ی مسیو اصغر می‌نویسد وی فرزند رئیس‌المجاهدین قزوین و یک سال قبل از ازدواج با قمر از سفر فرانسه به ایران بازگشته بود^۴ و پرویز خطیبی روزنامه‌نگار، شاعر و ترانه‌سرای معاصر (۱۳۰۲-۱۳۷۲) نیز در خاطرات^۵ خود، از قول موسی نی‌داود نوشته است وی شخصی عیسوی بود که به خاطر ازدواج با قمر حاضر به قبول اسلام شد!

هر دو نظر آمیخته با اشتباه و یا اشتباه است. سید علی‌اصغر شیخ‌الاسلامی فرزند میرزا ابوتراب شیخ‌الاسلام و خواهرزاده و داماد میرزا حسن شیخ‌الاسلام (معروف به رئیس‌المجاهدین، از مجاهدین صدر مشروطه و از فاتحین تهران) بود.

این خانواده که نسب آن‌ها به میر سید حسین عاملی^۶ (معروف به خاتم‌المجتهدین) و از او به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد، در دوره‌ی سلطنت شاه طهماسب صفوی از جبل عامل به قزوین تخته‌گاه صفویان آمدند و در این شهر ساکن شدند.

علی‌اصغر شیخ‌الاسلامی در کودکی و نوجوانی در حدود ده سال در تفلیس به تحصیل پرداخت و به خاطر فرنگی‌مآبی و اقامت در روسیه، مردم قزوین به او لقب مسیو اصغر دادند. بنا بر اظهارات افراد مطلع خاندان شیخ‌الاسلامی^۷، وی هیچ‌گاه در فرانسه اقامت نداشته است.

قابل ذکر است که سید عبدالله شیخ‌الاسلامی معروف به امجدالوزاره که از دوستان نزدیک دوره‌ی جوانی عارف قزوینی بود و عارف در دیوان خود از او نام برده، عمو و باجناق مسیو اصغر بوده است.

- اگرچه برخی از نویسندگان و موسیقی‌دانان، تاریخ اجرای اولین کنسرت قمر را سال ۱۳۰۳ دانسته‌اند، هنوز سند معتبری در این خصوص دیده نشده است. از همین روی، به دو دلیل ممکن است نخستین کنسرت قمر در این سال اجرا نشده باشد:

دلیل اول این که برخی پژوهشگران حوزه‌ی موسیقی که اجرای اولین کنسرت قمر را در سال ۱۳۰۳ دانسته‌اند، بر این عقیده‌اند که او در این کنسرت، تصنیف مرغ سحر ملک‌الشعرای بهار را اجرا کرده، در حالی که مرغ سحر در سال ۱۳۰۶ ساخته شده است.

۴. قمری که خورشید شد، ص ۸۳.

۵. خاطراتی از هنرمندان، پرویز خطیبی، به کوشش: فیروزه خطیبی، انتشارات معین، ۱۳۸۰، ص ۳۴.

۶. وی صاحب تألیفات متعدد و نواده‌ی محقق کرکی (محقق ثانی) و خاله‌زاده‌ی میرداماد بوده است. درباره‌ی نفوذ رأی و مرتبت شأن او مطالب مهمی در «تاریخ عالم‌آرای عباسی» و «فهرست ریاض‌العلماء» آمده است.

۷. بنا بر اظهارات معمرین خاندان شیخ‌الاسلامی و بستگان مسیو اصغر، ازدواج وی با قمر به صورت موقت بوده است.

بر همین اساس، یا اولین کنسرت قمر در سال ۱۳۰۳ به اجرا درنیامده و یا این که قمر هرگز تصنیف مرغ سحر را در این کنسرت نخوانده است.

دومین دلیل این است که قمر گفته است در اولین کنسرت خود، شعری از ایرج میرزا را به یاد او خوانده است. (خبر ۶۱)

از این گفته، نتیجه گرفته می‌شود که در هنگام اجرای این کنسرت، ایرج میرزا در قید حیات نبوده است و توجه به تاریخ درگذشت ایرج میرزا (۲۲ اسفند ۱۳۰۴)، تردیدها را برای اجرای نخستین کنسرت او در سال ۱۳۰۳ افزایش می‌دهد. بر همین اساس، تأیید یا ردّ این موضوع، نیازمند دستیابی به اسناد و مدارک بیشتری است و باب تحقیق در این خصوص همچنان باز خواهد بود.

- درباره‌ی اجرای تصنیف «مرغ سحر» در کنسرت و یا ضبط آن در صفحات گرامافون توسط قمر سند معتبری به دست نیامده و یا نمونه‌ای از این صفحه دیده نشده است. اگرچه در خاطرات قمر و نوشته‌های دکتر ساسان سپتا و زبیده جهانگیری به ضبط «مارش جمهوری» عارف در صفحات گرامافون توسط قمر اشاره شده، هنوز سند معتبری در این خصوص به دست نیامده و نمونه‌ای از این صفحه دیده نشده است. زبیده جهانگیری در این خصوص نوشته است: «مهندس محمدعلی گلشن ابراهیمی بنیانگذار فرهنگ صوتی ایران بارها ضمن گفتگو با نویسنده مؤکداً گفت که صفحه‌ی جمهوری را جزء آثار مامان قمر دارد و سالم و پاکیزه است. می‌گفت در آن زمان که تحویل صفحه‌ها موقوف شد، یکی دو تا از کارمندان پست در غیاب مأمور مخصوص به سراغ بسته‌ها رفته و از صفحه‌ها یکی دو تا برای خودشان برمی‌دارند. سال‌ها بعد، این کارمند دلسوز و هنردوست این صفحه را در اختیار مهندس گلشن ابراهیمی می‌گذارد که آن مردِ باسرفِ خدمتگزار هم قبل از درگذشتش در مرداد ۱۳۸۰ این آثار را به ملت ایران تقدیم کرد که اکنون باید در موزه‌ی موسیقی باشد».^۸

- با این که زبیده جهانگیری در کتاب خود، منکر نیاز قمر به کمک‌های مالی در اواخر عمر شده، برخی مدارک کتاب حاضر و از جمله مندرجات روزنامه‌ی آرژنگ (خبر ۵۵) با این نظر همخوانی ندارد.

با توجه به تأثیر و نقش قمر در موسیقی ایرانی، ضروری است که زوایای گوناگون زندگی او به دقت و به دور از هر گونه اشتباه و تحریف مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و این مسئله، مستلزم دستیابی به آگاهی‌ها و اطلاعات جدید درباره‌ی اوست.

نگارنده ضمن ارج نهادن به کوشش‌های تمام کسانی که درباره‌ی قمر، پژوهش‌هایی را به انجام رسانیده‌اند، کتاب حاضر را بر اساس اخبار روزنامه‌ها و مجلات قدیمی و اسناد تاریخی به محضر علاقه‌مندان عرضه می‌دارد، بدین امید که این کوشش ناچیز موجب شناخت بیشتر قمر و آثار او و منبع و منشأ پژوهش‌های بعدی درباره‌ی وی باشد. کتاب حاضر در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول حاصل جستجو در مطبوعات دوره‌ی پهلوی اول و دوم است که برخی از آنان کمیاب، دیرپاب و نایاب هستند و شادروان استاد ایرج افشار نیز در کتاب ارزشمند «فهرست مقالات فارسی در زمینه‌ی تحقیقات ایرانی» اشاره‌ای به آن‌ها نکرده است.

در این بخش، هر گونه خبر مرتبط با قمرالملوک وزیری اعم از اعلان کنسرت‌ها و اعلان فروش صفحات قمر، خاطرات و نوشته‌های قمر، برنامه‌های او در رادیو، خاطرات دیگران درباره‌ی وی، نوشته‌ها درباره‌ی او و اخبار بیماری، مرگ و خاکسپاری قمر گردآوری شده است که مطالعه و بررسی آن‌ها موجب دستیابی به اطلاعات فراوان و شناخت بیشتر این چهره‌ی فرهنگی، هنری و اجتماعی خواهد شد.

ترتیب چاپ این مطالب در کتاب بر اساس تاریخ چاپ آن‌ها در مطبوعات است تا خواننده از لحاظ تاریخی در جریان اخبار و وقایع مرتبط با قمر قرار گیرد و به آگاهی، شناخت و نتیجه‌گیری دقیق‌تری درباره‌ی وی دست یابد.

نگارنده برای هر خبر شماره‌ای قرار داد و عنوانی انتخاب کرد تا ارجاع به آن راحت‌تر باشد و بار عاطفی آن سریع‌تر به مخاطبین منتقل شود.

ممکن است هنوز روزنامه‌ها و مجلاتی بتوان یافت که از دید و دسترس نگارنده دور مانده باشد، چنانچه به چنین مواردی دستیابی حاصل شد، در چاپ‌های بعدی به کتاب افزوده خواهد شد.

در نگاهی گذرا، برخی از ویژگی‌های مهم اخبار مندرج در قسمت اول کتاب که حاوی نکات ارزشمندی درباره‌ی قمر است و اطلاعات مهم و بعضاً تازه‌یابی را در اختیار علاقه‌مندان و محققین قرار می‌دهد عبارتند از:

- قمر به همراه موسی معروفی برای نخستین بار کنسرتی را در دستگاه نوا اجرا کرده که بر مبنای آگهی آن، اجرای صحنه‌ای آن تا سال ۱۳۰۷ در ایران سابقه نداشته است. (خبر شماره‌ی ۴)

- لازم به ذکر است دستگاه نوا به همراه راست‌پنجگاه جزو دستگاه‌های مهجور ایرانی بود که در گذشته، بسیار به ندرت توسط موسیقی‌دانان اجرا می‌شد.
- در سال ۱۳۰۷ و سال‌های بعد از آن، در مطبوعات از هنرمند، خواننده یا موسیقی‌دان با لفظ آرتیست یاد می‌شده است. (خبر ۴)
 - قمر در سال ۱۳۱۵ همراه با ابوالحسن صبا کنسرتی را در سالن سینما تهران اجرا کرده است. (۱۶)
 - مرور برنامه‌های موسیقی رادیو در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ حاکی از این است که قمر همراه با نوازندگی اساتیدی چون: علی‌اکبر شهنازی، مرتضی محجوبی، ابوالحسن صبا، حبیب سماعی و مهدی خالیدی در رادیو به اجرای برنامه پرداخته است. (۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ۳۳)
 - قمر بعد از عارف و کلنل وزیري سومین هنرمندی است که برای کمک به ساخت مقبره‌ی فردوسی کنسرت داده است. (۳۷)
 - برنامه‌ی قمر در رادیو از مهر ۱۳۳۲ به خاطر بیماری فشار خون و سکتة قطع شده است. (۳۹)
 - در مورد ازدواج‌های قمر اطلاعات مفید و مهمی به دست می‌دهد. (۳۹، ۴۲ و ۵۷)
 - قمر در اواخر عمر، آرزوی رفتن به کربلا را در سر داشته است. (۴۳ و ۵۰)
 - قمر در اثر بیماری و سکتة، از فروردین سال ۱۳۳۳ موفق به خواندن نشده و به اصطلاح، لب به خواندن باز نکرده است. (۴۴)
 - اولین سکتة‌ی او در سال ۱۳۳۳ روی داده است. (۴۷)
 - قمر در سال ۱۳۱۶ به مریدان محمدحسن مراغه‌ای (ملقب به محبوب علیشاه) پیوسته و در جرگه‌ی دراویش درآمدہ است. (۴۷)
 - در هنگام درگذشت قمر، تهران تا آن زمان فاقد یک سالن مناسب برای برگزاری مجلس بزرگداشت درگذشتگان موسیقی و یا اجرای کنسرت به یاد آنان بوده است. (۷۸)
 - اندیشه‌ی اختصاص قطعه زمینی برای گورستان هنرمندان، بعد از درگذشت قمر بین هنرمندان ایجاد شده است. (۷۹)
 - تصنیف «مرغ سحر» را قمر نخوانده و در صفحه ضبط نکرده است. (۹۸ و ۹۹)
 - قمر را یک پزشک به مرفین مبتلا کرده است. (۹۸)
- بخش دوم کتاب، ۱۵ سند درباره‌ی قمرالملوک وزیری است که همگی از آرشیو اسناد سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران استخراج شده‌اند و به طور حتم برای

علاقه‌مندان قمر حاوی مطالب نو و جالبی است. سند شماره‌ی ۱ تا سند شماره‌ی ۱۴ این مجموعه، مربوط به پرونده‌ی شکایت حبیب سلمانی از قمرالملوک وزیری در سال ۱۳۰۹ خورشیدی است.

در یک نگاه اجمالی، خلاصه‌ی این پرونده به شرح زیر است:
استاد حبیب سلمانی پدر دختر چهارساله‌ای است که مدعی است قراردادی در دفتر اسناد رسمی با قمر منعقد کرده که بر اساس آن، قمر متعهد گردیده با پرداخت شصت تومان، از فرزند او نگهداری و او را بزرگ کند اما قمر تنها ده تومان پرداخت کرده و علاوه بر آن که پنجاه تومان باقی‌مانده را نمی‌پردازد، دختر خردسال را نیز مخفی کرده و از تحویل وی خودداری می‌کند.

با شکایت حبیب سلمانی از قمر به دادستانی، پرونده به ریاست دادگاه بدوی و از آن جا به بازپرس شعبه‌ی ۳ جزا منتقل می‌شود. بازپرس مربوطه چنین نظر می‌دهد که جرم منسوب به قمر مشمول ماده‌ی ۱۹۷ قانون مجازات عمومی نیست و به همین دلیل، قرار منع تعقیب صادر می‌کند اما ریاست دادگاه بدوی چنین نظر می‌دهد که خودداری قمر از تحویل کودک به پدرش محرز و بر همین اساس، وی با توجه به ماده‌ی ۱۹۷ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب است.

با باقی بودن بازپرس شعبه‌ی ۳ بر نظر خود، پرونده جهت رفع اختلاف به دادگاه تجدید نظر فرستاده می‌شود و در نهایت، این دادگاه بر فسخ نظر بازپرس شعبه‌ی ۳ و صدور قرار اناطه رأی می‌دهد.

آخرین سند این پرونده، نامه‌ی اسماعیل فرزانه وکیل افتخاری حبیب سلمانی به قاضی تحقیق شعبه‌ی ۳ است که بر مبنای آن، تقاضا کرده است رونوشت رأی دادگاه تجدید نظر را برای او ارسال نمایند که این خواسته مور موافقت قرار گرفته است.

چون متأسفانه ادامه‌ی این پرونده در آرشیو اسناد سازمان اسناد ملی ایران وجود ندارد، پایان این ماجرا به درستی مشخص نیست.

لازم به ذکر است از قول جواد بدیع‌زاده خواننده‌ی مشهور مطلبی در مجله‌ی پیام نوین به چاپ رسیده است که شاید اشاره به این قضیه داشته باشد. روایت وی را بدون هیچ گونه توضیح و اظهار نظر نقل می‌نمائیم: «زن و مرد تنگدستی از استیصال و درماندگی دختر دوساله‌ی خود را سر راه می‌گذارند و خودشان در گوشه‌ای او را زیر نظر می‌گیرند. قمر این طفل را می‌بیند و دلش به حال وی می‌سوزد و او را به منزل می‌برد و به تربیتش می‌پردازد. چند روز بعد، پدر دختر به دیدار قمر می‌رود و مبلغی از وی می‌گیرد و شرط می‌کند که دیگر به دیدن دخترش نیاید.

دخترک بزرگ می‌شود و به رشد می‌رسد. روزی همان مرد تهی‌دست به منزل قمر می‌آید و می‌گوید آمده‌ام دخترم را بگیرم. قمر پس از صحبت‌های بسیار، پیرمرد را راضی می‌کند که پنجاه تومان دریافت کند و از حق خود صرف نظر نماید.^{۱۰}

آخرین سند بخش اسناد، نامه‌ی قمر به مهرداد پهلبد رئیس اداره‌ی کل هنرهای زیبای کشور و وزیر فرهنگ بعدی است که در دهم مرداد سال ۱۳۳۵ از او بابت حمایت و ابراز لطف مخصوص سپاسگزاری کرده است.



در پایان باید به این نکته اذعان کرد که چاپ این اثر بدون بررسی روزنامه‌ها و مجلات قدیمی که بعضاً دستیابی به آن‌ها بسیار مشکل و جانفرساست امکان‌پذیر نبود. از همین روی تشکر و قدرشناسی از دوستان و بزرگوارانی که امکان دسترسی نگارنده به روزنامه‌ها و مجلات قدیمی را فراهم کردند و یا مجموعه‌ی خود را در اختیار اینجانب قرار دادند بر نگارنده فرض است:

از جناب آقای عنایت‌الله رحمانی مسئول بخش نشریات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جناب آقای رضا زارعی قدیم مسئول بخش نشریات کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی و سرکار خانم مهران آشوری مسئول بخش نشریات کتابخانه‌ی دانشگاه تهران که صمیمانه و بدون هیچ‌گونه منت منابع مورد نیاز نگارنده را تأمین کردند سپاسگزاری می‌نمایم.

همچنین مراتب تشکر خود را از سرکار خانم میثاق گودرزی رئیس مرکز اسناد و کتابخانه‌ی ملی قزوین که امکان دسترسی نگارنده به اسناد قمرالملوک وزیری را فراهم آوردند و دوست گرانقدر جناب آقای دکتر احسان شکراللهی طالقانی که زمینه‌ی آشنایی نگارنده با جناب آقای زارعی قدیم را فراهم آوردند تشکر نموده و برای همه‌ی عزیزان از درگاه الهی توفیق، شادی و تندرستی آرزومندم. «یا رب دعای خسته‌دلان مستجاب کن»

مهدی نورمحمدی

اخبار

مقاله‌ای از قمر در روزنامه شفق سرخ - ۱۴ بهمن ۱۳۰۲

ستون آزاد برای مقاصد و نظریات دیگران

زن و موسیقی

حضرت آقای دشتی^۱، به همان نشانه که شرحی از عقاید خودم را به نظم نگاشته و خدمتتان ارسال داشتم درج نکردید، خواهشمندم این مقاله را که به نثر نوشته‌ام درج بفرمائید.

در شماره ۷۹ شفق سرخ به امضای علینقی وزیری در موضوع ایجاد مدرسه موسیقی اعلانی شده که در آن اعلان صاحب امضا، یعنی ایجادکننده آن مدرسه توضیح داده بودند که در آن مدرسه زن‌های مسلمان را نخواهیم پذیرفت.

آقای دشتی تعجب می‌کنم از این که امثال حضرت عالی مردمان متفکر و طرفدار تجدید اوضاع ایران و آشنا با تمام قوانین مقدسه اسلام، این قبیل اعلانات را درج می‌فرمائید بدون آن که در ذیل اعلان، اعلان کننده را از اشتباهی که کرده است آگاه فرمائید.

آقای دشتی ما زن‌های طهران هر چند هم به عقیده سرکار عالی نالایق باشیم، این قدر فهمیده‌ایم که قوانین مقدسه شریعت مطهر اسلام جز در بعضی از موارد، مانند جهاد و غیره، زن و مرد یکسان است. اگر موسیقی حرام است و در شریعت مقدس اسلام این عمل حرمت دارد، چه مردهای مسلمان و چه زن‌های مسلمة بایستی از این عمل پرهیز نمایند. چه دلیل دارد که مردها مجازند که این صنعت را بیاموزند و زن‌ها از آموختن این صنعت لطیف محرومند. کجای قرآن نوشته شده است و از کدام حدیث شریف چنین فهمیده می‌شود که آموختن موسیقی برای مردها مباح و برای زن‌ها حرام است.

آقای دشتی اگر در مقابل این اظهارات من جوابی دارید مرقوم بفرمائید، شاید من اشتباه کرده‌ام. خیلی غریب است در مملکت ما هر شب در سالون گراند هتل برای مردها سینما است، تیاتر است، واریته^۲ است و هیچ آخوندی، هیچ پیشنمازی اعتراض نمی‌کند. همین که می‌شنوند در فلان خانه واقع شده، در گمنام‌ترین کوچه‌ها زن‌ها می‌خواهند برای خودشان سینمایی ترتیب بدهند بدون آن که یک نفر مرد هم در آن شرکت داشته باشد،

۱. علی دشتی مدیر روزنامه‌ی شفق سرخ

۲. نمایشی مرکب از کنسرت، تئاتر و رقص

فوراً داد و فریاد عوام و خرافات پرست‌ها بلند می‌شود که اسلام رفت. یک نفر نیست که از این مردم بپرسد که چطور شده است که سینما و تیاتر برای مردها مباح است و از تماشایی که مردها به سینما یا تیاتر می‌کنند، اسلام به جای دوری نمی‌رود ولی همین که زن‌های بدبخت در یک بیغوله‌ای خواستند از سینما تماشایی بکنند، یعنی از سینماهایی که برای برای تصفیة اخلاق آن‌ها بسیار مفید است، بدون آن که بگذارند در مجلسشان مردی وارد شود، فوراً داد و فریاد یک مشت مردم نفهم بلند می‌شود که اسلام از ایران پرواز کرد.

این که می‌گویم زن‌ها میل دارند سینما یا تیاتری را در یک مجلس بدون این که مردی در آن جا حضور داشته باشند ببینند، از ترسم است و گرنه شریعت مقدس اسلام به ما امر نفرموده که حتماً زن نباید در مجلسی حضور داشته باشد که در آن جا مرد نامحرمی یافت شود.

مگر بیست سال قبل نبود که متجاوز از ده هزار زن و مرد برای دیدن تعزیه در تکیه دولت جمع می‌شدند. در همین ایام، مگر همه‌ساله در ماه محرم و صفر زن و مرد برای شنیدن ذکر مصیبت حضرت خامس آل عبا (ع) در یک مجلس مجالست نمی‌کنند [۹] متنها وظیفه زن این است که روی و تمام اندامش را از مرد بپوشاند. ممکن است همین عمل را در تیاتر و سینماها به جا بیاورند. یعنی که در مجلس تیاتر و سینما، هم مرد حضور داشته باشد و هم زن، متنها زن‌ها رویشان را از مردها بپوشانند.

آقای دشتی، زن‌های ایران در عصر حاضر خیلی بدبخت‌تر از زن‌های ایام مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه و سایر سلاطین عصور گذشته هستند. به جهت آن که در ایام مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه و سایر سلاطین عصور گذشته، زن‌ها در تعزیه خانه و مجالس روضه با مرد در یک مجلس حضور به هم می‌رساندند و اجر اخروی می‌بردند و در عصر حاضر زن‌ها حتی بدون شرکت مردهای خود نمی‌توانند سینما یا تیاتر بروند. آقای دشتی اگر دلتنگ نشوید و به رفیق شما برنخورد، در آن وقتی که معین‌الیکا تعزیه نشان می‌داد، کار [و] بار زن‌ها خیلی بهتر بود از این ایام که رفیق شاعر^۲ شما^۳ اپرا برای رستاخیز سلاطین ایران می‌سازد و اگر رفیق شاعر شما خیلی دلتنگ نشود، عرض می‌کنم که عرضه معین‌الیکا خیلی بیشتر از رفیق شاعر شما بود. قمرالملوک



شفق سرخ:

صحیح است، در کلیه احکام شرعی زن و مرد شریک یکدیگرند و اگر موسیقی حرام باشد، برای هر دو حرام است ولی از طرف دیگر، تعلیم موسیقی از طرف یک مرد به زن‌ها در جامعه ما چندان زیبنده نیست و علاوه باید این نکته را ذکر کرد که فساد اخلاق مردها و جلالت^۴ بعضی از زن‌ها رفته رفته باعث این شده است که اجتماع زن و مرد ممنوع شود و شما زمان معین‌البکا را ترجیح دهید. ولی منع زن‌ها از این که برای خود سینما بدهند، بدون شرکت مردها به کلی بی‌منطق است.

شفق سرخ، شماره ۸۱، شماره مسلسل ۲۰۷، یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۰۲، ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲، ص ۴.

۲

پاسخ قمر به انتقادی که از او در یکی از روزنامه‌ها به چاپ رسیده بود - روزنامه اطلاعات، ۳۱ فروردین ۱۳۰۶

از لوايح وارده

بدبختی

اینجاست که در ایران هر وقت یک اصلی طرف توجه و دقت قرار گرفته است، در اطراف آن به قدری حسو و زواید اضافه می‌کنند و در فروع داخل می‌شوند تا پاک اصل موضوع از میان می‌رود.

یکی از جراید محترم در ضمن تنقید از اوضاع تجملی مملکت، این قسم صلاح دیده است که اسمی هم از من برده و تذکر بدهد که به وسیله حبس صوت من، یک کمپانی خارجه با سی تومان پول، چندین هزار صفحه یکی دو تومان فروخته و پول ملت به این وسیله به مصرف جنس تجملی (یعنی گرامافون) رسیده است.

بدو لازم است این نکته طرف توجه قرار گیرد که این ملت به چه طریق باید از آثار صاحبان فنون خود که زحمت کشیده و ابتکاری در بعضی رشته‌ها نموده‌اند استفاده کند؟ آن هم اگر فن مزبور، آواز و مصنفش هم یک نفر زن باشد!

چون در این مملکت، مجامع آزادی نبود که عامه بتوانند از یک موهبت الهی تمتع برند، موقعی که کمپانی گرامافون به طهران نماینده فرستاد، من حاضر شدم مجاناً - و نه

۴. بی‌خردی، سبکسری، سبکی کردن.

در مقابل سی تومان — یک سری از آوازه‌های ملی را با تحریرهای مخصوصی که برای هر یک ساخته بودم، در چند صفحه برای جاوید ماندن نواهای ایرانی حبس کنم و با نماینده کمپانی هم شرط کردم که صفحه‌های مرا فقط به قیمتی که برای خود کمپانی تمام می‌شود در ایران به فروش برساند و خاطر جمع بودم که کمپانی از قولی که به من داده است تخطی نخواهد کرد اما بعد از آن که صفحه‌ها به ایران وارد شد و دیدم به قیمت خیلی گرانی می‌فروشدند، فوراً اعتراض کردم ولی به خرج کسی نرفت، زیرا من زن بودم و ناقص‌العقل!! از این موضوع گذشته، اساساً حکمیت و مطالعه این مطلب که آیا گرامافون جزو لوکس و لوازم غیر ضروری ملت ایران باید به شمار رود یا طرف احتیاج و مانند قند و چای و اتومبیل و عینک و غیره، تا موقعی که در داخله خود نمی‌توانیم تهیه کنیم، ناچار از خرید خارجه هستیم^۵ با اولیای امور دولت است نه با من و امثال من.

هر چند انتشار این عقیده در یک روزنامه نباید متکی به احساسات تمام ملت یا لاقفل اکثریت جامعه باشد، زیرا همان طور که یک نفری پیدا می‌شود و مدعی می‌گردد که درین مملکت ماتم و عزا، استماع آواز و تفریح دماغ لزومی ندارد و جزء مسائل غیر ضروری است، شاید جمعی هم باشند که فکر کنند در یک مملکت بی مدرسه که افراد آن در هر هزار نفری یک نفر هم باسواد ندارد، کتاب هم جزء لوازم تجملی و چندان موردی نباید داشته باشد؟ ولی من اگر به جای شخص معترض بودم، یک اختراع و صنعت عالی و ذی قیمتی مانند گرامافون را از نقطه نظر عدم اجابت دعوت و نظریه خصوصی خودم زائد و غیر ضروری معرفی نمی‌کردم بلکه وجود آرتیست را در این مملکت سراپا غرض حرام می‌شمردم تا طرف هم بتواند نظیر همین معامله را با صاحب آن عقیده بکند. قمرالملوک وزیری

/اطلاعات، سال اول، شماره ۱۹۵، پنج‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۰۶، ۱۸ شوال ۱۳۴۵، ص ۲.

۳

آگهی فروش صفحات قمر و ملوک ضربی در مغازه پولیفون — شفق سرخ، ۱۴ شهریور ۱۳۰۷

در مغازه پولیفون

واقع در اوایل خیابان علاءالدوله، هر قسم از صفحات قمرالملوک خانم، ملوک خانم و غیره موجود و بدون تفاوت قیمت، هر صفحه پانزده قران به فروش می‌رسد.

۵. نقطه‌چین در اصل است.

گرامافون‌های مارک پولیفون همه نوع نیز حاضر و مرتباً صفحات وارد می‌شود. سری دوم نیز رسیده.

شفق سرخ، سال ۷، شماره ۱۰۳۹، چهارشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۰۷، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۴۷، ص ۳.

۴

خبر کنسرت موسی معروفی و قمر در گراند هتل - روزنامه ناهید، ۲۹ دی ۱۳۰۷

کنسرت معروفی

در لیلۀ پنج‌شنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ از طرف آقای موسی خان معروفی با معیت عده‌ای از موسیقی‌دان‌های محترم در سالن گراند هتل ساعت ۶ بعد از ظهر کنسرت باشکوهی داده خواهد شد.

قسمت آواز این کنسرت را آرتیست درجۀ اول طهران، ق. وزیری عهده‌دار می‌باشد و آکت مهم کنسرت مزبور نوا خواهد بود که تا کنون سابقه نداشته است. در فواصل آکت‌های کنسرت، دو پرده رقص هم برای مزید تفریح آقایان محترم و خواتین محترمه اضافه شده که توسط یکی از بهترین آرتیست‌ها به معرض نمایش گذارده می‌شود.

ناهید، سال ۸، شماره ۵۲، شنبه ۲۹ دی ۱۳۰۷، ۶ شعبان ۱۳۴۷، ص ۶.

۵

خبر کنسرت قمر در گراند هتل - روزنامه ایران، ۲ خرداد ۱۳۰۹

کنسرت

شب دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۰۹ [۱] کنسرت باشکوه و مهمی توسط آرتیست شهر، خانم قمرالملوک خانم وزیری در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذارده خواهد شد و دو پرده رقص نیز داده خواهد شد. این کنسرت مخصوص خانم‌های محترمه خواهد بود.

ایران، سال ۱۴، شماره ۳۲۴۰، جمعه ۲ خرداد ۱۳۰۹، ۲۴ ذی‌حجۀ ۱۳۴۸، ص ۱.